

Government Jobs in Madinah al-Nabi based on Rijali's Reports

**Seyyede Roghayyeh
Seyyedi Jarbandi** 

Ph.D. Student in Quran and Hadith Sciences,
Gorgan Branch, Islamic Azad University,
Gorgan, Iran.

**Hamed Khani (Farhang
Mehrvash)** *

Associate Professor in Islamic Theology,
Gorgan Branch, Islamic Azad University,
Gorgan, Iran

**Mohammad Ali
Khaledian** 

Assistant Professor in Persian Literature,
Gorgan Branch, Islamic Azad University,
Gorgan, Iran.

Abstract

There is some information about the various jobs of the companions in the books of al-Rijal. Recognition and analysis of this information can acquaint us with aspects of the economic system of the early Islamic Arab society. Numerous studies can be found from ancient times to modern times, in each of which attention to this matter and analyses based on it have been presented from the early history of Islam. The subject of the present study is to recognize government jobs in Madina al-Nabi. By extracting the data contained in historical and Rijal sources, it is tried to categorize the reports related to government jobs in the Medina of the era of the Prophet, and examine the companions' rate of employment to each of those jobs. On this basis, in the present study, these questions will be answered: first, can we find objective and reliable pieces of evidence about jobs in the early Islamic government by reviewing historical sources, especially Rijal books; second, to what extent can the links between these reports themselves

* Corresponding Author: Mehrvash@hotmail.com


How to Cite: Seyyedi Jarbandi, S. R., Khani (Farhang Mehrvash), H., Khaledian, M. A. (2021). Government Jobs in Madinah al-Nabi based on Rijali's Reports, *Quarterly Journal of Seraje Monir*, 11(41), 127-159.

help us to objectively classify these jobs; third, how much can the information about each job indicate their relationship to each other or their position in the early Islamic system of government.


Keywords: Age of Revelation, Government's Jobs, Companions, Rijali information, Madinah al-Nabi.

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی


دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

سیده رقیه سیدی جربندی 

دانشیار الهیات، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

حامد خانی (فرهنگ مهروش)  *

استادیار ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

محمدعلی خالدیان 

چکیده

در منابع رجالی، تاریخی و حدیثی داده‌هایی درباره مشاغل مختلف صحابه همچون یکی از شیوه‌های تولید ثروت در عصر نزول قرآن نیز جای گرفته است. بازشناسی و تحلیل این داده‌ها می‌تواند ما را با ابعادی از نظام اقتصادی جامعه عرب صدر اسلام آشنا کند و به شناخت بستر نزول آیات قرآن و روایات نبوی هم فایده رساند. مطالعات متعددی را از دیرباز تا دوران معاصر می‌توان یافت که در هر یک به نحوی به این امر توجه و تحلیل‌هایی بر پایه آن از تاریخ صدر اسلام بازنموده شده است. موضوع مطالعه کنونی، بازشناسی مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی است. می‌خواهیم با استخراج داده‌های مندرج در منابع تاریخی و رجالی، گزارش‌های مرتبط با مشاغل حکومتی رایج در جامعه مدینه عصر رسالت را گونه‌شناسی و دسته‌بندی و میزان اشتغال یاران پیامبر اکرم(ص) را به هر یک از این مناصب بازشناسی نماییم. اکنون بر همین پایه در مطالعه پیش‌رو بناست به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که اولاً، آیا می‌توان با مرور منابع تاریخی، خاصه منابع رجالی و حدیثی، شواهد عینی و قابل‌اتکائی درباره مشاغل حکومتی صدر اسلام پیدا کرد؛ ثانیاً، پیوندهای موجود میان خود این گزارش‌ها چه اندازه می‌تواند ما را در طبقه‌بندی عینیت‌گرایانه مشاغل یاری برساند؛ ثالثاً، حجم اطلاعات مربوط به هر یک از مشاغل چه اندازه می‌تواند گویای پیوندشان با همدیگر یا جایگاهشان در نظام حکومتی صدر اسلام باشد.

کلیدواژه‌ها: عصر نزول، مشاغل حکومتی، صحابه، داده‌های رجالی، مدینه‌النبی.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی گرگان است.

* نویسنده مسئول: Mehrvash@hotmail.com

مقدمه

یکی از ابعاد زندگی اجتماعی در مدینه‌النبی مشاغل رایج در آن است؛ اشتغالات روزمره یا هرآزگاهی که افراد با صرف وقتشان در آنها برای جامعه تولید ارزش افزوده و احیاناً برای خود نیز تولید درآمد می‌کرده‌اند. بر پایه مطالعه جزءنگرانه سیدی و آمایش وی از مشاغل مختلف صدر اسلام در منابع علم رجال، می‌توان عموم مشاغل رایج در میان صحابه پیامبر اکرم (ص) در مدینه‌النبی را به سه دسته عمده مشاغل حکومتی، مشاغل نظامی و انتظامی و مشاغل مرتبط با تولید غذا، خدمات و رفاه تفکیک نمود (سیدی، ۱۳۹۹: سراسر اثر).

مراد از مشاغل حکومتی در تفکیک فوق، آن دسته از کوشش‌های افراد در زندگی اجتماعی است که ارتباط مستقیمی با تصمیم‌سازی در سطح جامعه یا اعمال قدرت سیاسی بر شهروندان یا ایجاد زمینه در جامعه برای پذیرش آن تصمیم داشته باشند؛ و غالباً نصب افراد برای تصدی آنها با نظر حاکم جامعه صورت می‌پذیرد یا پرداختن به آن کار در هماهنگی با حاکمیت جامعه تولید ارزش افزوده می‌کند؛ نیز گستره فعالیت و تأثیر مستقیم آنها اغلب در تعامل با شهروندان جامعه تعریف می‌شود (مهروش و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۶).

مشاغل حکومتی در این معنا اعم از مناصب حکومتی است که پیامبر اکرم (ص) خود شخصاً افرادی را به تصدی آنها می‌گمارده‌اند؛ مثل شاعری که با کارکرد رسانه‌ای‌شان تأثیرات سیاسی دارند و در هماهنگی و پیوند با حکومت می‌توانند برای جامعه ارزش افزوده تولید کنند؛ اما لزوماً با برنامه‌ریزی پیامبر اکرم (ص) همچون حاکم جامعه پدید نیامده‌اند.

نگارش آثاری مستقل درباره مشاغل حکومتی صدر اسلام با نگارش *تخریج الدلالات السمعیة خزاعی* (د ۷۸۶ ق) و عمدتاً با تأکید بر مناصب آن دوره آغاز شد. این کوشش‌ها پس از وقفه‌ای پانصدساله از حدود ۱۰۰ سال پیش با فروپاشی خلافت عثمانی (۱۹۲۴ م/۱۳۰۳ ش) و در کوشش برای جستن شیوه اداره جامعه اسلامی در دوران پساعثمانی شدت گرفت (نک: جعفریان، ۱۳۸۴: ۴) و در سرزمین‌های مختلف اسلامی ادامه یافت. از نمونه‌های مشهور ادبیات بحث در این دوره می‌توان به *الترااتب الاداریه* کتانی (چاپ اول:

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۳۱

۱۳۴۶ ق/ ۱۳۰۶ ش)، *النُّظْمُ الاسلامیه حسن و علی ابراهیم حسن* (چاپ ۱۳۵۸ ق/ ۱۳۱۸ ش) اشاره کرد. چنان‌که در نقد این آثار گفته شده است مؤلفانشان اغلب از نگاه انتقادی به منابع فاصله گرفته و با تکیه بر گزارش‌های مندرج در منابعی بسیار متأخر پیش رفته‌اند. در مطالعه‌ای که اخیراً مهروش انجام داده، به تفصیل آثار مرتبط با بازشناسی مشاغل مدینه‌النبی تحلیل و سیر تحول نگارش‌ها در این زمینه و اسباب و علل آن مرور شده است (برای مرور و نقد تفصیلی این آثار، نک: مهروش و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۶).

در ایران هم از اواخر دهه ۱۳۶۰ ش به بعد، گرایندگان به جریان توسعه علوم اسلامی به توسعه این مباحث دامن زدند. آن‌ها در آثار خویش با موضوعات مختلف کوشیدند مشاغل حکومتی صدر اسلام را بازکاوند. مؤلفان این آثار اغلب نه از موضع محقق تاریخ که در مقام بهره‌جویی از دستاوردهای ادبیات پیش‌گفته ظاهر شدند و غالب فرضیه‌پردازی‌های مندرج در آثار یادشده بر پایه منابع دست‌چندم را مسلم انگاشتند. بدین‌سان، عملاً آثار ایشان هم به بازتولید همان اشکالات انجامید (نک: همان: ۱۰۹).

معدود مطالعاتی درباره مشاغل حکومتی صدر اسلام یافت می‌شوند که از این آفت‌ها به دور مانده باشند. یک نمونه از این مطالعات، مطالعه احمد سید ذراج (متولد ۱۹۲۲ م/ ۱۳۰۱ ش) - عالم مصری تحصیل کرده در پاریس - است که در کتاب *صناعه الکتابه و تطورها فی العصور الاسلامیه تحولات حرفه ثبت اسناد را در فرهنگ اسلامی بازمی‌کاود* (برای نمونه، نک: دراج، ۲۳۱: ۱۴۰۰-۲۳۳، ۵۶۲-۵۶۶). او در سخن از پیشینه کتابت دیوانی با تفصیل و دقتی بیش‌تر به گزارش‌ها درباره این شغل در عصر نبوی می‌نگرد و برای ۲۲ تن از کاتبان وظایفی مجزا تعریف می‌کند (برای مشاهده آماری وظایف کاتبان به تفکیک نک: همان: ۱۳-۱۴). گذشته از تداخلی که در این وظائف دیده می‌شود، اصلی‌ترین مشکل نظریه دراج آن است که بر منابع اصیل مبتنی نیست و نام همه این اشخاص در منابع متقدم همچون کاتب پیامبر (ص) نیامده است. (برای مشاهده نمونه دیگر نک: حجیلی، ۱۴۲۶: ۲۰۰-۱۹۹، ۲۰۶-۲۰۵، ۲۱۷).

مطالعه کنونی بر پایه همین دستاوردهای مرور پیشین صورت گرفته است. با نظر در

این مطالعات می‌توان دریافت به انجام رساندن یک مطالعه روشمند دربارهٔ مشاغل صدر اسلام با چالش‌های بزرگی روبه‌روست. از طرفی گزارش‌های تاریخی تصویر واضحی از مشاغل صدر اسلام بازنمی‌نمودند و غالباً به اشکال مختلفی تفسیرپذیر بودند؛ و از سویی دیگر نداشتن مبنایی برای دسته‌بندی مشاغل نیز موجب می‌شد محققان از نگاه تاریخی فاصله بگیرند، بر پایهٔ ذهنیت‌ها و طبقه‌بندی‌های شناخته‌عصر خود مشاغل مختلف را به هم پیوند زنند.

یک مشکل بزرگ دیگر در این مطالعات این بود که در آن‌ها یا بر منابع متأخرتر تکیه شده بود، یا صرفاً از کتب سیره و تاریخ بهره‌جسته شده بود. مثلاً استفاده از منابع تخصصی علم‌الحدیث خاصه کتب رجال که دربردارندهٔ گزارش‌های تاریخی متعددی است در آن‌ها بسیار معدود بود. افزون بر این‌ها، فقدان نگرش انتقادی و پذیرش هرآنچه در منابع درج شده است، بی‌توجهی به منابع متقدم و کاربرد منابع دست‌چندم، خوانش غیردقیق منابع و مسلم‌انگاشتن نتایج دیگران، کوشش برای پیشبرد مطالعهٔ خود بدون نقد و ارزیابی کارهای پیشین، فقدان رویکرد مناسب و استوار نکردن بحث بر یک نظریهٔ اجتماعی و ابطال‌ناپذیری استدلال‌ات نیز اشکالات بنیادین این مطالعات بودند.

یک راه سهل‌الوصول برای دست‌یابی به تصویری عینیت‌گرایانه‌تر از مشاغل حکومتی صدر اسلام، بازخوانی جزءنگرانهٔ گزارش‌های بازمانده دربارهٔ ساکنان مدینه‌النبی است. در کتب رجال نام و احوال بسیاری از ساکنان مدینه در صدر اسلام همچون راوی حدیث نبوی باقی مانده است. عالمان حدیث هم از دیرباز - به‌ضرورت سنجش روایات و نقد رجال آن‌ها - به تفصیل دربارهٔ احوال این راویان بحث کرده‌اند. براین‌پایه، می‌توان انتظار داشت که با مرور گزارش‌های رجالی دربارهٔ صحابه آگاهی‌هایی دقیق‌تر، عینی‌تر و مبتنی بر منابع دست‌اول نیز دربارهٔ مشاغل حکومتی صدر اسلام حاصل کنیم.

بر این اساس، هرگاه قرار باشد مشاغل حکومتی صدر اسلام از نگاهی بی‌طرفانه و عینیت‌گرا جسته شود، لازم است همهٔ این ملاحظات مدنظر قرار گیرند. اکنون بر همین پایه در مطالعهٔ پیش‌رو می‌خواهیم بدانیم اولاً، آیا می‌توان با مرور منابع تاریخی، خاصه منابع

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۳۳

رجالی و حدیثی، شواهد عینی و قابل‌اتکائی درباره مشاغل حکومتی صدر اسلام پیدا کرد؛ ثانیاً، پیوندهای موجود میان خود این گزارش‌ها چه اندازه می‌توانند ما را در طبقه‌بندی عینیت‌گرایانه مشاغل یاری برسانند؛ ثالثاً، حجم اطلاعات مربوط به هر یک از مشاغل چه اندازه می‌تواند گویای پیوندشان با همدیگر یا جایگاهشان در نظام حکومتی صدر اسلام باشد.

روش‌شناسی

برای پاسخ به سؤالات مطرح‌شده در مطالعه پیش‌رو می‌توان مراحل زیر را گام‌به‌گام، پشت سر نهاد. نخست با مرور یکی از منابع جامع و مفصل رجالی درباره عصر صحابه، داده‌های مندرج در آن درباره مشاغل صحابه پیامبر اکرم(ص) را استخراج کنیم. در مرحله بعد، گزارش‌ها درباره مشاغل حکومتی را گونه‌شناسی و دسته‌بندی نماییم. آنگاه، بر پایه خود داده‌های رجالی و دیگر گزارش‌های تاریخی، میزان اشتغال به هر یک از آن‌ها در جامعه مدینه صدر اسلام را بازشناسیم. این‌گونه، پس از شناخت مشاغل و حرفه‌های حکومتی رایج در بین مردم آن عصر، زمان تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل شده فرامی‌رسد که بر پایه آن، مبانی و سازوکارهای دین اسلام، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های پیامبر اکرم(ص) در مسائل و امور حکومتی جامعه، صورت می‌گیرد. نیز بر مبنای این تحلیل‌هاست که چگونگی تأثیر وضعیت حکومتی و سیاسی جامعه عرب صدر اسلام در شناخت و فهم کامل‌تر آیات قرآن و روایات مبهم تشریح می‌شود. بدین ترتیب، می‌توان تصویری روشن‌تر از فرهنگ عصر نزول قرآن کریم ارائه نمود.

برای کسی که می‌خواهد درباره زمینه‌ها و فعالیت‌های حکومتی جامعه عصر نزول تحقیق کند، مطالعه کتب طبقات، تراجم و نام‌های صحابه مانند *الاستیعاب فی معرفه الأصحاب اثر ابن عبدالبر* (د ۴۶۳ ق)، *أسدالغابه فی معرفه الصحابه اثر ابن اثیر* (د ۶۳۰ ق) و هرچه از این دست ضروری است. مطالعه ما هم از مراجعه به این منابع مستغنی نخواهد بود. وانگهی، گردآوری شواهد از مشاغل صحابه بر پایه مطالعه همه کتاب‌هایی که در علم طبقات، تراجم و نام صحابه نوشته شده‌اند، دشوار است. به نظر می‌رسد که انتخاب اثری

جامع گزارش‌ها درباره صحابه و تمرکز بر آن بتواند گامی آغازین باشد. از میان این آثار، به نظر می‌رسد *أسد الغابه* برای گردآوری شواهد گزینه‌ای مناسب باشد. مؤلف آن علی بن مُحَمَّد جَزْرِي شیبانی (مشهور به ابن اثیر) در این اثر محتویات کتب *إبن منده*، *أبو نعیم*، *إبن عبد البر* و *أبو موسی مُحَمَّد بن عُمَر أصبَهانی* (د ۵۸۱ ق) را کنار هم نهاده، اشتباهات آن‌ها را بازنموده و بر آن‌ها مطالبی هم افزوده است (ابن اثیر، ۱۲۸۵: ۱/۱).

بر پایه شواهد یادشده، در مطالعه خود با مبنا قرار دادن *أسد الغابه* و مرور گزارش‌های آن، نخست فهرستی از مشاغل حکومتی صحابه تهیه می‌کنیم. آنگاه با پی‌جویی هر یک از آن مشاغل در منابع مختلف، می‌کوشیم داده‌های خود را درباره هر یک توسعه دهیم و هر یک از آن مشاغل را بهتر بشناسیم. این‌گونه، خواهیم توانست با تحلیل داده‌ها در مرحله بعد، درکی واضح‌تر از حیات حکومتی عصر نزول پیدا کنیم.

برای تکمیل داده‌های حاصل از مطالعه *أسد الغابه* و هم‌چنین سنجش کارایی آن‌ها در شناساندن گستره مشاغل صحابه، افزون بر مراجعه به دیگر منابع رجالی یادشده و جستجوی داده‌های آن‌ها درباره مشاغل حکومتی، مطالعات معاصران درباره موضوعات نزدیک نیز باید مورد توجه قرار گیرند، مانند *مجتمع المدینه فی عهد الرسول (ص)* نوشته عبدالله عبدالعزیز بن ادریس که به مشاغل حکومتی مسلمانان در صدر اسلام - بخصوص در میان مردم مدینه - می‌پردازد.

اثری که داده‌های رجالی درباره صحابه را بازمی‌تاباند، همچون هر سند تاریخی دیگری از ذهنیت‌های مورخ تأثیر می‌پذیرد؛ ذهنیت‌هایی که خود را در گزینش‌ها و پردازش‌ها نمایان می‌سازند. این‌که پدیدآورنده یک اثر رجالی بیش‌تر به چه مباحثی توجه کند یا احیاناً از کنار کدام‌ها بی‌توجه بگذرد، ممکن است که از نگرش‌های اعتقادی و سیاسی و دغدغه‌های اجتماعی او تأثیر بسیار پذیرد. بر این پایه، اگر قرار باشد اساس این مطالعه بر مرور *أسد الغابه* *إبن اثیر* استوار گردد، نخست باید پرسید چه اندازه گزارش‌های این منبع درباره مشاغل صحابه قابل اعتماد است.

در مقام چاره‌جویی برای این محدودیت، نخست باید گفت که *إبن اثیر* را گاه به این

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجال...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۳۵

شناسانده‌اند که رویکردی انتقادی به منابع تاریخی داشته، بر همین پایه منابع مختلف را در کنار همدیگر می‌نشانده و در معرض نقد قرار می‌داده و ملاحظات انتقادی خود را صریح بیان می‌داشته است (رضازاده لنگرودی، ۱۳۶۸: جلد دوم، ۷۰۳). از دیگر سو، چنان‌که پیش‌ازین هم یاد شد، اثر وی جامع گزارش‌های پیش از خود او درباره صحابه است. به نظر می‌رسد به اقتضای این رویکرد انتقادی و این وسعت منابع بتوان تا حدودی اطمینان یافت که گزارش‌های مرتبط با صحابه از دیدرس وی دور نمانده باشند و هر یک در کتاب او جلوه‌ای پیدا کنند.

مهم‌ترین مزیت نوشتار حاضر که آن را کار بدیعی جلوه می‌دهد و خلأ مطالعات پیشین را نیز تا حدود زیادی جبران می‌کند تکیه و تمرکز نویسندگان بر منابع متقدم و ترجیحاً دست‌اول و استفاده از منابع تخصصی علم‌الحديث بخصوص کتب رجال همچون اسدالغابه ابن اثیر و الاصابه ابن حجر عسقلانی و خوانش دقیق آنهاست که دربردارنده گزارش‌های تاریخی متعددی است و داده‌های نوینی را در اختیارشان قرار داده است. افزون بر این‌ها، داشتن نگرش انتقادی و نپذیرفتن هر آنچه در این منابع درج شده و تکیه‌نکردن بر منابع دست‌چندم از دیگر مواردی است که بر غنا و نوآوری محتوای مقاله افزوده است.

۱. مدیریت سیاسی و تصمیم‌سازی

ایجاد مشاغل حکومتی در عصر پیامبر اکرم(ص) هم به‌منظور اجرای تعالیم و سیاست‌های دین نوظهور اسلام و هم برای تعیین راهبردهای پیش‌روی حکومتی که در آستانه تشکیل، تثبیت و گسترش بود ضرورت داشت. مشاغل حکومتی را نوعاً صحابه در ارتباط مستقیم با خود پیامبر اکرم(ص) پی می‌گرفتند. این مشاغل، نتایج سیاسی نیز به دنبال داشت؛ چراکه شاغلان بدان‌ها در تصمیم‌سازی‌های سیاسی، تولید قوانین مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و سنت نبوی(ص) و نظارت بر اجرای آن در بین مردم نقش مهمی داشتند.

الف) کتابت

یکی از مشاغل رایج در عصر رسالت، کاتبی به معنای پیشکاری بوده است. کار کاتب افزون بر ثبت و تنظیم کردن، پیگیری امور نیز بوده است، برای مثال پیگیری می کردند که زکات نداده را بگیرند. شمار کسانی که به شغل کتابت مشغول بودند اندک بود؛ چون افرادی که می توانستند بنویسند زیاد نبودند. برخی از این نویسندگان از مهاجرانی بودند که کتابت را پیش از ظهور اسلام آموخته و در عصر نزول قرآن آن را به کار می بردند. برای نمونه جَهْم صلت نوشتن را پیش از اسلام از بنی عبدالمطلب قریشی آموخته بود. او و زُبَیر بن عَوّام اموال یعنی زکات‌ها را می نوشتند (ابن حجر، ۱۳۲۸: ۱/۵۲۲، ۵۲۴). علاء بن عَقَبه و اَرَقَم نیز پیمان‌ها و معامله‌های مردم را ثبت می کردند (همان: ۴/۵۴۳). در میان انصار نیز افرادی مانند عبدالله بن رَواحه و اَبی بن کَعْب (همان: ۱/۲۷) نوشتن می دانستند و از کاتبان پیامبر اکرم (ص) بودند. زید بن ثابت انصاری نیز افزون بر وحی، نامه‌های مردم را می نوشت و صحابه را به نگارش وحی ملزم می کرد (نک: نووی، ۱۴۲۶: ۱/۲۰۰-۲۰۱).

یکی از مواردی که به نگارش سندی رسمی نیاز داشت امان‌نامه بود. پیامبر اکرم (ص) برای افراد یا قبایلی که مسلمان می شدند و ممکن بود از سوی دیگران مورد اذیت و آزار قرار بگیرند نوشته‌ای همچون امان‌نامه توسط کاتبان صادر می کرد تا امنیت مالی و جانی ایشان تأمین شود. برای نمونه پیامبر اکرم (ص) برای جُناده ازدی و قومش امان‌نامه‌ای نوشت (برای مشاهده متن امان‌نامه نک: ابن اثیر، ۱۲۸۵: ۱/۱۸۹). مشابه امان‌نامه، صلح‌نامه‌هایی بود که میان مسلمانان با همسایگان و دیگر جوامع نوشته می شد. عده‌ای از صحابه مأمور نوشتن صلح‌نامه بودند. نمونه این صلح‌نامه را می توان در زندگی عبدالله بن عبدالله بن عَتَبان (همان: ۱۳۴/۲) سراغ داد.

از دیگر مصادیق شغل کتابت، دعوت به اسلام بوده است. پیامبر اکرم (ص) در قالب نامه‌هایی از قبایل عرب می خواست که به اسلام بگردند. افرادی مأمور کتابت و ارسال این نامه‌ها می شدند. برای نمونه آن حضرت (ص) نامه‌ای برای قوم بنی حارثه بن عمرو بن قُرَیظ نوشت و از طریق پیکی به نام عبدالله بن عَوَسَجَه بَجَلی آنان را به دین اسلام فراخواند

(ابن اثیر، ۱۲۸۵ ق: ۱۶۰/۲).

اعلام مسلمان شدن قبایل نیز به کاتبانی نیاز داشت. پیامبر اکرم (ص) مسلمان شدن نمایندگان را به شکل مکتوب به اقوامشان اعلام می‌کرد. بدین ترتیب افزون بر رسمیت یافتن اسلام آوردن نمایندگان، بشارتی برای مردم آن قبایل نیز محسوب می‌شد. نمونه این کتابت برای حرمه بن هوذه ثبت شده است (همان: ۲۵۲/۱).

از دیگر مصادیق کتابت در عصر پیامبر اکرم (ص) پاسخگویی به نامه‌هایی بود که برای ایشان فرستاده می‌شد (برای مشاهده نمونه این نوع نامه‌نگاری نک: حکایت ثمامه بن اثال در ایام قحطی با سران کفر: همان: ۱۵۶/۱). افزون بر آن، افرادی از پیامبر اکرم (ص) می‌خواستند که در زمینه‌های مختلف برایشان دعا نماید. برای مثال جناده بن زید حارثی از پیامبر اکرم (ص) می‌خواهد دعا کند که خداوند قلب دشمنانشان - ربیعہ و مضر - را به اسلام متمایل سازد. پیامبر اکرم (ص) نیز به درگاه خداوند دعا و آن را مکتوب می‌کند (همان: ۱۸۸/۱).

از دیگر کارکردهای کتابت این بود که پیامبر اکرم (ص) به دلایلی درباره برخی صحابه سفارش‌هایی برای پیشوایان پس از خود می‌نوشت که آن افراد پس از ایشان نیز از الطاف خلفا بهره‌مند شوند. برای مثال پیامبر اکرم (ص) برای حارث بن مسلم تمیمی در نامه‌ای سفارش او را نزد پیشوایان پس از خود مکتوب و مهمور می‌نماید (همان: ۲۲۰/۱).

ب) مشاغل قضائی

برخی صحابه به قضاوت در امور مسلمانان می‌پرداختند. قضاوت توسط پیامبر اکرم (ص) انتخاب می‌شدند. علی بن ابی‌طالب، محمد بن سلّمه و عتاب بن اسید برخی از این قضاوت بودند (همان: ۳۱/۲). از میان زنان نیز می‌توان به حضرت فاطمه (س) اشاره کرد که گاهی به داوری می‌پرداخت. برای مثال نوشته‌اند دو زن که در مورد مسئله‌ای اختلاف داشتند نزد ایشان آمدند و طرح دعوا نمودند. آن حضرت (س) بنشان قضاوت کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۲).

از دیگر مشاغل قضایی صدر اسلام صدور سند برای املاک بود. کاتبانی بودند که به

این کار می‌پرداختند. نوشته‌اند وقتی پیامبر اکرم(ص) زمین، منطقه یا قریه‌ای را به فردی می‌بخشید به کاتبان دستور می‌داد به نام آن شخص نوشته‌ای بر جای نهند. برای نمونه پیامبر اکرم(ص) قریهٔ عینون (احتمالاً در اطراف بیت‌المقدس) را به تمیم بن اوس بخشید و برای مالکیتش سندی صادر کرد (ابن‌اثیر، ۱۲۸۵: ۱۳۵/۱). ثور بن عزره نیز نماینده‌ای بود که پیامبر اکرم(ص) حَمام و سُدّ از مناطق عقیق را به او واگذار و برایش سند صادر نمود (همان: ۱۵۸/۱؛ برای مشاهدهٔ نمونه‌های بیش‌تر، نک: همان: ۴۶۹/۱، ۴۸۰، ۴۸). فرد با داشتن این سند می‌توانست پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) نیز ادعای مالکیت نماید.

همچنین حکم قتل افرادی که از نظر پیامبر اکرم(ص) به دلایلی بایستی اعدام می‌شدند نیز جزو احکام قضایی بود که توسط کاتبان ثبت می‌شد. بر این مبنا برخی صحابه مأموریت می‌یافتند حکم صادره را اجرا کنند. برای نمونه جُشیش دیلمی حکم مأموریت قتل اَسود عَنسی در یمن را از جانب پیامبر اکرم(ص) دریافت کرده بود (همان: ۱۷/۱).

شماری از مسلمانان در انساب مردم کارشناسی می‌کردند. برای مثال ابوبکر و عقیل بن ابی‌طالب داناترین مردم به اصل و نسب قریش و دیگر اعراب بودند. نوشته‌اند عقیل به انساب قریش، مفاخر و معایب آن‌ها آگاه بود و مردم این علم را در مسجد نزد او فرامی‌گرفتند. سَعْد بن مَسْعُود تَقَفی نیز همان اندازه به انساب آگاهی داشت (ابن حجر، ۱۳۲۸: ۳۷/۱، ۳۵۳۶/۴).

با این‌که نسب‌شناسی در کارشناسی‌های قضایی کاربرد داشت اما آن‌طور که شواهد نشان می‌دهد این علم چندان مورد توجه نبود و مردم آن را علمی سودمند نمی‌دانستند و معتقد بودند ندانستنش زیانی نمی‌رساند (کتّانی، ۱۳۸۲: ۳۰۲/۲).

پ) کارگزاری

در عصر رسالت افرادی برای مدیریت و نظارت بر امور شهرها و مناطق منصوب می‌شدند. این انتصاب‌ها نظامی مدون نداشت و پیامبر اکرم(ص) در بیش‌تر موارد با مراعات مسئلهٔ نزدیکی میان قبایل متعدد کارگزاران را تعیین می‌کرد (بن ادریس، ۱۴۰۲: ۱۴۵). بخصوص اگر عشیره یا قبیله‌ای خارج از مدینه بود پیامبر اکرم(ص) خودشان عامل را برمی‌گزید

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۳۹

(همان: ۱۲۷؛ نیز برای دیگر افرادی که به‌عنوان «عامل رسول‌الله(ص)» یاد شده‌اند و همگی به قبائلی خارج از مدینه تعلق دارند، نک: ابن‌عبدالبرّ، ۱۳۲۸: ۶۷۳/۲، ۱۳۷۵/۳، ۱۷۵۴).

پیامبر اکرم(ص) با توجه به وسعت یمن برای مناطقی مانند ژبید، عدن و نواحی آن کارگزارانی معین کرد (ابن‌حجر، ۱۳۲۸: ۲۱۲/۲) و عُمارة بن حزم انصاری را بر نجران (ابن‌قدمه، ۱۳۹۱: ۱۵) و مُهاجر بن ابی‌امیة مخزومی را بر صدقات صنعاء گماشت (ابن‌حجر، ۱۳۲۸: ۲۲۸/۶). همچنین نیاز به مدیریت و کنترل امور مدینه سبب شد که شهر از نظر اداری به دو بخش تقسیم شود و هرکدام کارگزاری مستقل داشته باشد. برای نمونه پیامبر اکرم(ص) در نبرد بدر برای مردم مدینه و ناحیه‌عالیه، هر یک کارگزاری جداگانه به‌عنوان جانشین تعیین کرد (همان: ۵۷۲/۳؛ ۱۴۵/۱).

گزینش کارگزار برای شهرها در اغلب موارد مطابق قوانین قبیله‌ای نبود و کارگزار لزوماً عضوی از قبیله یا حلیفان آنان محسوب نمی‌شد. برای نمونه کارگزار بحرین از قبیله حَضْرَمَوْت انتخاب شد (طبری، ۱۹۶۶: ۱۴۷/۳). کارگزاران یمنی یا بحرینی از بومیان منطقه نبودند و یا دست‌کم بر بخش‌های بزرگی از یمن یا بحرین همچون عامل تعیین نمی‌شدند (همان‌جا؛ ابن‌قدمه، ۱۳۹۱: ۱۵، ۲۹-۳۰).

یک دلیل انتخاب کارگزاران غیربومی، کنترل نواحی بسیار دور از مدینه بود که عامل به خاطر پشتیبانی قومی ممکن بود برای خروج از سلطه حکومت اغوا شود. بروز حرکت‌های خطرناک ارتدادی در یمن و کوشش برای خروج از حاکمیت مدینه دلیل دیگری برای انتخاب‌نشدن کارگزاران از میان مردم آن مناطق بود که مشابه حرکت اَسود عَنَسی از مدعیان نبوت (نک: ابن‌عبدالبرّ، ۱۳۲۸: ۴۹۱/۱) پیش‌نیاید (طبری، ۱۹۶۶: ۱۴۷/۳). بااین‌حال مردم یمن و بحرین هنگام دریافت خبر رحلت پیامبر اکرم(ص) در ضدیت با استیلای مدینه قیام کردند و گرد رهبران خویش جمع و خواهان استقلال در امور شدند (همان: ۳۰۱/۳-۳۱۳).

شایان ذکر است در همان دوره کارگزاران برخی شهرها مانند مکه یا طائف از قبایل مقیم آن مناطق یعنی قریش و ثقیف برگزیده و بومی محسوب می‌شدند (ابن‌حجر، ۱۳۲۸:

۴۵۱/۲، ۴۶۰، ۵۹۹/۳). چون آن مناطق به مرکز حکومت در مدینه نزدیک بود و همچنین بزرگان قریش و ثقیف بخش عمده‌ای از جمعیت شهر را تشکیل می‌دادند؛ برای همین امکان نقض عهد و یا ارتداد از اسلام وجود نداشت و یا از آن کاسته می‌شد.

ت) گونه‌های مختلف نمایندگی سیاسی

عشیره‌ها و قبایل نیز همچون شهرها و مناطق، بزرگانی داشتند. به بزرگ قبیله پیش از هجرت، نقیب و پس از هجرت عریف یا سید گفته می‌شد. نقیب در زبان عرب مانند عریف یا سید یک قوم است؛ با این تفاوت که نقیب از عریف، برتر است (طبری، ۱۴۱۵: ۱۴۸/۶). منشأ ظهور نقیب را در شب عقبه دوم - سال سیزدهم بعثت - دانسته‌اند (برای آگاهی از این واقعه، نک: ابن قدامه، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۱).

مأموریت نقیب، نمایندگی پیامبر اکرم(ص) در مدینه و ضمانت عشیره نزد ایشان بود. نقیب، فعالیتی مقطعی بود که پس از هجرت پیامبر اکرم(ص) از بین رفت؛ چون وی کفیل بود که از قوم خود برای پناه‌دادن پیامبر اکرم(ص) و یارانش و نیز حمایت از آنان در مدینه بیعت بگیرد، مانند حمایت و ضمانت حواریون از عیسی(ع) (تیمی، شماره: ۱۳۸: ۵۸).

پیامبر اکرم(ص) پس از فوت نقیبان، نقیب جدیدی تعیین نمی‌کرد. برای مثال پس از فوت اَسْعَدِ بْنِ زُرَّارَه - نقیب بنی نَجَّار - برخلاف درخواست برخی از افراد قوم، شخص دیگری را تعیین نکرد (ابن اسحاق، ۱۳۸۲: ۳۵۴/۲). دلیلش، وجود رؤسای در میان قبایل بود که پس از هجرت، به امور مردم رسیدگی می‌کردند. باین حال تا زمانی که این دوازده نقیب زنده بودند به دلیل تأکید پیامبر اکرم(ص) بر مفاد بیعت عقبه دوم در سِمَتِ نَقِیبِیِ خُودِ محفوظ و محترم باقی ماندند.

افزون بر نقابت، هر قبیله‌ای عریف یا بزرگی داشت که در پایه‌ای پایین‌تر از رئیس قرار داشت. عریف یا سید از جانب عشیره انتخاب می‌شد و گاهی پیامبر اکرم(ص) او را معرفی می‌کرد و به وی یاری می‌رساند (ابن قدامه، ۱۳۹۱: ۳۱؛ ابن اسحاق، ۱۳۸۲: ۳۱۶/۲). برای نمونه، نوشته‌اند پیامبر اکرم(ص) بزرگ قبیله بنی سلّمه را که عَمْرُو بْنُ جَمُوحٍ یا بَشِرِ بْنِ بَرَاءٍ - بود خودش انتخاب نمود (ابن اسحاق، ۱۳۸۲: ۳۱۶/۳).

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۴۱

نمایندگی سیاسی شکل دیگری هم داشت. افرادی همچون نمایندگان اقوام مختلف از سراسر شبه‌جزیره عربستان به صورت هیئتی نزد پیامبر اکرم (ص) می‌آمدند تا درباره دین اسلام مباحثه کنند. به این افراد وفد یا وفود گفته می‌شد که اغلب، با پذیرش دین اسلام همراه بود. این اعزام‌ها برای اسلام آوردن یا بستن پیمان با دولت اسلامی مدینه، پس از فتح مکه در سال نهم هجری شدت بیش‌تری یافت که به عام‌الوفود - سال ورود هیئت‌ها - مشهور است (ابن هشام، ۱۴۱۵: ۹۸۵/۴؛ ابن کثیر، ۱۳۵۱: ۴۹/۵).

نام وافدان و وفدهایی در سراسر کتاب *اسدالغابه* آمده است. ابن سعد تعداد وفود را بیش از ۷۰ هیئت دانسته و به تک‌تک این گروه‌ها و حضور آن‌ها در مدینه و گفت‌وگوهای ایشان با پیامبر اکرم (ص) اشاره کرده است (ابن سعد، ۱۳۸۰-۱۳۸۸: سراسر اثر). وافدان از مزایای مادی نیز بهره‌مند می‌شدند. پیامبر اکرم (ص) معمولاً به افرادی که از گروه‌های مختلف نزد ایشان می‌آمدند مانند نمایندگان قوم تُجیب هدایایی می‌بخشید (ابن سعد، ۱۳۸۰-۱۳۸۸: ۳۲۳/۱).

وفود، امان‌نامه نیز از پیامبر اکرم (ص) دریافت می‌کردند. بر اساس این نامه قبیله‌ای که اسلام می‌آورد از حقوق مسلمانی برخوردار می‌شد، از جمله این که مسلمانان نه تنها نباید به آنان حمله کنند بلکه باید در برابر تجاوز دیگران از ایشان دفاع هم بنمایند (جعفریان، ۱۳۸۵: ۶۵۶).

۲. مشاغل مرتبط با بیت‌المال

اداره و دوام حکومت اسلامی در عصر رسالت مانند هر حکومت دیگری نیاز به بودجه داشت که یکی از راه‌های تأمین این بودجه، گرفتن مالیات، صدقات و زکات بوده است. وجود مشاغلی چون مستوفی‌گری و خزانه‌داری، عاملی صدقات، زکات و دیات و کارشناسی قیمت محصولات کشاورزی نشان‌گر جایگاه بیت‌المال در حکومت رسول‌الله (ص) است.

الف) مستوفی‌گری و خزانه‌داری

مستوفی فردی بود که رهبر جامعه او را می‌فرستاد تا از کارگزاران، اموالی را دریافت کند و پس از خالص کردن، آن را نزد پیامبر اکرم (ص) بیاورد (خزاعی، شماره ۱۸۵۳: ۱۶۸). به طبع شغل خزانه‌داری نیز وجود داشت. خزانه‌دار همان کسی بود که بیت‌المال را به او می‌سپردند (همان: ۱۶۹). بر مبنای مطالعه سجادی، خزانه به محل مخصوصی گفته می‌شد که اموال در آنجا گرد می‌آمد و مراد از بیت‌المال همان چیزی است که از خزانه اراده می‌کردند (سجادی، ۱۳۸۳: ۲۹۰).

گردآوری زکات، صدقات و دیات و کسب غنائم جنگی از جمله فیء و مصرف آن‌ها برحسب احکام قرآن این ضرورت را ایجاب می‌کرد که محلی برای نگهداری اموال، املاک و درآمدهای دولت، ایجاد و تحت قوانینی برای مصالح جامعه اسلامی خرج شود. بر اساس این نگرش که بیت‌المال ملک همه مسلمانان است و تنها برای مصالح عامه مردم بنیاد شده و وظایفی برعهده گرفته است آن را «بیت‌المال مسلمین» می‌خواندند و سپس به بیت‌المال اکتفا کردند (هیثمی، ۱۴۰۷: ۳۳۲/۵).

برخی روایات متأخر، حاکی از وجود این نام در روزگار پیامبر اکرم (ص) هستند و حتی برای نمونه از بلال حبشی مؤذن همچون مسئول بیت‌المال نام برده‌اند و نیز به اموال بیت‌المال در این عهد اشاره کرده‌اند (جبرتی، ۱۹۷۸: ۴۴۳/۱). ولی در منابع متقدم به اطلاق این نام و وجود نهاد خاص بیت‌المال تصریح نشده است و از گزارش‌های متعدد برمی‌آید که صدقات و غنائم به دست آمده را همان وقت میان مردم و جنگجویان تقسیم می‌کردند (ابن اثیر، ۱۲۸۵، سراسر اثر؛ ابن طقطقی، ۱۲۰۰: ۸۳-۸۴). گرچه ممکن است بقایای این اموال عمومی را نگاه می‌داشتند و در موقع مناسب به مصرف می‌رساندند (سجادی، ۱۳۸۳: ۲۸۴).

قَلَقَشْنَدِی معتقد است، کارگزاران بیت‌المال افزون بر مدیریت و نظارتی که بر بیت‌المال داشتند از صناعت کتابت نیز در همه امور متعلق به آن استفاده می‌کردند (قلقشندی، ۱۳۸۳: ۸۴-۸۵)؛ برای مطالعه بیشتر درباره بیت‌المال در صدر اسلام و

بعد از آن نک: سجادی، ۱۳۸۳: ۲۸۴-۲۹۵).

ب) مأمور صدقات، زکات و دیات

پیامبر اکرم(ص) پس از هجرت به مدینه برای تأمین وجوه بیت‌المال و حمایت از افراد تنگ‌دست، جمع‌آوری صدقات، زکات و امور مربوط به دیه را جزو وظایف مهم اجتماعی در نظام عشیره‌ای (قبیله‌ای) قرار داد. هر عشیره مسئول جمع‌آوری صدقات خود بود. این کار یا از طریق به کارگماردن فردی از عشیره صورت می‌گرفت (برای مشاهده نمونه‌هایی از این به کارگیری نک: ابن‌اثیر، ۱۲۸۵: ۲۰۵/۱، ۳۲۶؛ ۹۸/۲، ۲۸۱؛ ۹۸/۳). یا کسی جز افراد عشیره برای این منظور به کارگیری می‌شد، مانند یزید بن ابوسفیان که پیامبر اکرم(ص) او را بر صدقات قبیله بنی‌فراس که دایی‌های وی بودند گماشت (همان: ۶/۶۵۸). اگر تعداد افراد یک قبیله زیاد بود پیامبر اکرم(ص) چند نفر را عامل صدقات تعیین می‌کرد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۵۵: ۶۶/۱۴-۷۲).

این تصمیم که فردی از عشیره عامل جمع‌کردن صدقات باشد نتایج داشت: عامل صدقات می‌بایست همه افراد عشیره را می‌شناخت تا امکان ظلم بر فقیران یا ترس از ثروتمندان که ممکن بود در نتیجه شناخت ناکافی یا نداشتن دوراندیشی به وجود بیاید از بین برود. پیامبر اکرم(ص) وقتی خُزَیمَةُ بنِ عاصِمِ بنِ قَطَنِ عُکَلِی را کارگزار صدقات قومش تعیین کرد برایش چنین نوشت: ظلم نکند یا بر مالیات کسی نیفزاید (ابن حجر، ۱۳۲۸: ۲۸۲/۱). پیگیری دریافت زکات پرداخت‌نشده نزد پیامبر اکرم(ص) اهمیت زیادی داشت (نک: ابن‌اثیر، ۱۲۸۵: ۱۴۹/۱). مفسران معتقدند آیات ۷۶ و ۷۵ سوره توبه درباره همین امر نازل شده است (طبری، ۱۴۱۵: ۳۷۱/۱۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۸۱/۵).

کار دریافت دیات نیز به عشیره ارجاع داده می‌شد که بر اساس قانون مدینه، امر دیه را اجرا کنند. این کارگزاران که از میان قبایل انتخاب می‌شدند به صورت عرفی ملزم به رعایت حال افراد قوم خود بودند. برای مثال زنی از قوم هُدَیل پس از محکوم شدن به دیه ابراز داشت که تنگ‌دست است. پیامبر اکرم(ص) به عامل صدقات قبیله فرمود: از صدقات هُدَیل که در دست تو است صدو بیست گوسفند به آن زن بدهد (ابن حجر، ۱۳۲۸، ۷۰۸/۴).

پ) مسئولیت قیمت گذاری کالا

از دیگر مشاغل مرتبط با بیت‌المال، کنترل و نظارت بر قیمت محصولات کشاورزی بود که به مردم عرضه می‌شد. کارشناسانی همچون «خارص»، قیمت محصولات کشاورزی و میوه‌ها مانند میوه درختان نخل را تخمین می‌زدند (خزاعی، ۱۹۸۵: ۱۶۲). به دیگر سخن کار خارص همان دیدرتی از مزارع و باغ‌های مردم بود که بر اساس آن محصولات کشاورزی را از نظر کمی و کیفی، کارشناسی و قیمت گذاری نماید.

ابن‌اثیر در *اسدالغابه* شش تن از خارصان را معرفی و در برخی موارد معین می‌کند که هر یک، خارص چه محصولی و یا چه میوه‌ای بودند. برای نمونه عمرو بن سعید یکی از کارگزاران بر ثمار (میوه‌ها و اموال) خبیر از جانب پیامبر اکرم (ص) بوده است (ابن‌اثیر، ۱۲۸۵: ۳۵۰/۲). از ابوزید بن صلت (همان: ۱۸۱/۳) و جدّ صلت بن زبید (همان: ۲۷۱/۳) نیز همچون تخمین‌زننده قیمت میوه‌ها و محصولات کشاورزی نام برده‌اند. همچنین ابوحنّمه از خارصانی است که پیامبر اکرم (ص)، ابوبکر، عمر و عثمان او را به مزارع و باغ‌ها می‌فرستادند تا محصولات کشاورزی را دید بزند و قیمت گذاری نماید (همان: ۱۵۷/۳).

۳. مشاغل فرهنگی و آموزشی

شواهد حاکی است که پیامبر (ص) زمینه را برای ایجاد مشاغل مختلف فرهنگی و رسانه‌ای در حکومتی که پس از هجرت به مدینه تشکیل داد فراهم نمود تا در کم‌ترین زمان ممکن جامعه‌ای مبتنی بر مبانی و ارزش‌های اسلامی شکل گیرد و یکی از اهداف بعثتشان که همان تعلیم و تربیت و آگاهی‌دادن به مردم بوده است محقق شود. متصدیان این امور فرهنگی اغلب جزو مستمری‌بگیران از بیت‌المال بودند.

الف) قرائت و تفسیر قرآن

برخی صحابه به اساس آموزش که قرآن بود می‌پرداختند. آن‌ها بیش‌تر از گروه انصار بودند که به قرآء مشهور شدند (ابن‌حاج، شماره ۲۴۶: ۸۷). برای نمونه اُبی بن کعب انصاری یکی از فقیهان بود که از همه بهتر قرآن می‌خواند (ابن‌اثیر، ۱۲۸۵: ۷۱/۱-۷۲).

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۴۵

پیامبر اکرم(ص) پس از پیمان عقبه اول (درباره این پیمان نک: ابن اسحاق، ۱۳۸۲: ۲/۲۹۴) هنگامی که اسلام در مدینه رواج یافت قاریان را به صورت فردی یا دسته‌جمعی نزد قبایل مختلف می‌فرستاد که دین را به آن‌ها بیاموزند و برایشان قرآن بخوانند. برای نمونه مُصعب بن عُمیر که در مدینه به نام قاری خوانده می‌شد نخستین کسی است که پیامبر اکرم(ص) او را بدین منظور به مدینه فرستاد (ابن حجر، ۱۳۲۸: ۶/۱۲۳).

یکی دیگر از قاریان، عباده بن صامت خَزرجی است که قرآن را در عصر پیامبر اکرم(ص) گردآوری کرده بود. وی معلم **قرآن** اهل صُفّه بود (همان: ۳/۶۲۵). معلمان **قرآن** در مباحثی مانند شناخت قرائت‌ها، تفاسیر و معانی آن متحد شده و در این موارد همت گماشته بودند (طبری، ۱۴۱۵: ۱۱/۱، ۲۹-۳۵-۳۷).

قرآء در راه تعلیم **قرآن** با مشکلات زیادی مانند حوادث عَضَل، قاره و بئر مَعُونه روبه‌رو می‌شدند (ابن قدامه، ۱۳۹۱: ۲۱). برای نمونه پیامبر اکرم(ص) مُعِیث بن عُبَید بَلوی را به همراه چند تن از صحابه به سوی دو قبیله عَضَل و قاره فرستاده بود، اما آن‌ها یوم رجیع در دام توطئه دشمنان اسیر شدند و به شهادت رسیدند (ابن اثیر، ۱۲۸۵: ۳/۳۸).

همچنین در عصر رسالت زنانی بودند که به تحلیل فقهی آیات الاحکام می‌پرداختند. برخی عالمان اهل سنت، زنان پیامبر اکرم(ص) بخصوص عائشه، اُمّ سَلَمه و مِیمونه را در زمره فقیهان آورده و رأی فقهی آنان را گزارش کرده و گاه پذیرفته‌اند. ذهبی آورده است که اُمّ سَلَمه یکی از ۱۳ نفری است که صحابه در فتوا به او رجوع می‌کردند. اُمّ سَلَمه بخصوص در مورد فقه زنان (احکام رضاع، طلاق و عدّه) خبره بود (ذهبی، ۱۹۵۵: ۲/۲۰۳)؛ خلیل جمعه، ۱۴۱۷: ۲۶۴-۲۶۵؛ برای گزارش‌ها درباره زنان فقیه و صاحب فتوا در عصر پیامبر(ص)، نک: خلیل جمعه، ۱۴۱۷: ۱۴۲؛ همو، ۱۴۱۲: ۱۷۷/۲-۱۸۰؛ بهادر، ۱۳۰۱: ۳۸۴؛ برای اشاراتی به حضور اجتماعی ایشان، نک: ذهبی، ۱۹۵۵: ۲/۳۱۸؛ مسلم بن حجاج، ۱۹۵۵: ۳/۴۶-۴۷).

ب) معلمی

تشویق به علم‌آموزی از آغاز دعوت پیامبر اکرم(ص) جزو اهداف ایشان بود. در مدینه

پیامبر اکرم(ص) همچون نخستین معلم صحابه در مسجد میان حلقه یارانش می نشست و به پرسش های آنان پاسخ می داد و امور دینی را به ایشان می آموخت و می فرمود: هر کس از من پرسشی داشته باشد و آن را کتمان کند پروردگار در روز قیامت به او دهان بندی از آتش می زند (ابوداود سجستانی، ۱۹۵۰: ۴۳۷/۳).

توجه به نشر دانش و توانایی خواندن در میان مسلمانان مدینه پیامبر اکرم(ص) را واداشت که مسئولیت تعلیم هر مهاجر جدید را به یکی از صحابه واگذارد، نیز هزینه زندگی اش را برعهده بگیرد. صحابه مُلازم پیامبر اکرم(ص) به مسلمانانی که به دلایلی نمی توانستند سؤالات خود را با آن حضرت(ص) مطرح کنند آموزش می دادند و هر آنچه از پیامبر اکرم(ص) می آموختند برای دیگر صحابه بازگو می کردند. برخی معلمان به داشتن علم فراوان شهره بودند. اُبی بن کعب نَجّاری یکی از این علماست که پیامبر اکرم(ص) درباره اش می فرمود: ای ابامنذر این دانش بر تو گوارا باد! (ابن حجر، ۱۳۲۸: ۲۷/۱).

زنانی هم بودند که افزون بر فراگیری دانش، بر مسند تعلیم نشسته و در فرداهی علم کوشیدند؛ زنانی همچون حضرت فاطمه (س) (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶/۴۳، ۶۶، ۸۰؛ ۸/۲)؛ شفاء دختر عبدالله عَدَویه (ابن حجر، ۱۳۲۸: ۷۲۷/۷، ۷۲۸؛ زرکلی، ۱۹۸۹: ۱۶۸/۳)، اُمّ ایمن (کحّاله، ۱۹۸۲: ۱۲۷/۱) و عائشه (زرکلی، ۱۹۸۹: ۲۴۰/۳؛ خلیل جمعه، ۱۴۱۷: ۱۴۷).

پ) روایت حدیث

گفته می شود یکی دیگر از مشاغل فرهنگی، روایت حدیث بوده است. گروه های مهاجر در مدینه به نقل روایت از پیامبر اکرم(ص) که نتیجه ملازمت با ایشان بود اهتمام داشتند. ارتباط دوستانه پیامبر اکرم(ص) با یارانش سبب می شد که به راحتی سؤالات خود را با ایشان در میان بگذارند. برای مثال ابوهریره در پرسیدن سؤالاتی که دیگران از پیامبر اکرم(ص) پرهیز داشتند جسور بود (ابن حجر، ۱۳۲۸: ۴۳۳/۷).

روایات این دسته از مهاجران تصاویری از آداب و رسوم مدینه به دست می دهد؛ آدابی که پیامبر اکرم(ص) در آنها الگو محسوب می شد. برای نمونه دختر مشرَح اشعری می گوید پدرش ناخن هایش را کوتاه کرد و آنها را دفن نمود. سپس گفت: دیده ام که

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۴۷

پیامبر اکرم(ص) چنین می‌کرد (همان: ۱۲۲/۶).

از میان مهاجران، اهل صُفّه نیز به سبب هم‌نشینی با پیامبر اکرم(ص) حافظ و دانای اخبار، احادیث و افعال ایشان بودند. نقل شده است پیامبر اکرم(ص) با اهل صُفّه می‌نشست و با آنان قرآن می‌خواند و احکام دین را بحث می‌کرد (برای مشاهده نمونه‌هایی از این اخبار، نک: ابن اثیر، ۱۲۸۵: ۳۶۲؛ ۱۷۳/۳، ۲۶۳).

افزون بر گروه‌های مهاجر از میان انصار نیز افرادی بودند که به نقل احادیث پیامبر اکرم(ص) می‌پرداختند. برای نمونه ابویوب انصاری که میزبان پیامبر اکرم(ص) هنگام ورود به مدینه بود اهتمام زیادی به شنیدن حدیث از ایشان داشت و به همین دلیل احادیث بسیاری از پیامبر اکرم(ص) و برخی صحابه روایت کرده است (همان: ۱۴۲/۳).

زنان صدر اسلام نیز در فراگیری حدیث و نقل آن برای دیگران می‌کوشیدند. ابن اثیر در *اسدالغابه* بخش کتاب النساء نام ۳۳۵ نفر از صحابیات را که راوی حدیث از پیامبر اکرم(ص) بوده‌اند ثبت کرده است. همچنین تاریخ اسلام از نام و شرح حال بیش از ۱۵۰۰ تن از زنان محدث سده نخست گزارش می‌دهد (شلیبی، ۱۳۸۱: ۲۶۶).

از میان همسران پیامبر اکرم(ص) هم کسانی به نقل روایت می‌پرداختند. برای نمونه‌هایی از این موارد نک: (أُمّ سَلَمَه: ذهبی، ۱۹۵۵: ۲۰۲/۲؛ عائشه: ابوشقه، ۱۴-۱۴۱۰؛ میمونّه دختر حارث: کحّاله، ۱۹۸۲: ۱۳۹/۵؛ زینب دختر جَحش: ذهبی، ۱۹۵۵: ۲۱/۲). برخی زنان صحابی مانند اسماء دختر عُمیس (همان: ۲۸۲/۲) و اسماء دختر ابی بکر (همان: ۲۹۶/۲) نیز در امر روایت حدیث کوشا بودند.

۴. مشاغل رسانه‌ای

مشاغل رسانه‌ای به مشاغلی گفته می‌شود که در آن‌ها قرار است واسطه‌ای میان حاکم و محکوم ایجاد شود و نقش رسانه (رساننده مقصود حاکمان به عموم یا مقصود عموم به حاکمان) را ایفاء کند. پیامبر اکرم(ص) افزون بر آن که خود، از رسانه‌های گوناگون استفاده می‌کردند زمینه را برای ایجاد مشاغل رسانه‌ای و خاصه استفاده از هنرها را برای یاران خویش نیز فراهم می‌نمودند.

الف) مدیریت آیین‌های عبادی

امامت نمازهای دسته‌جمعی یکی از مشاغل مربوط به اجرای آیین‌های عبادی در عصر رسالت بوده است. شایسته‌ترین فرد برای امامت نماز کسی بود که بیش از بقیه در حفظ قرآن می‌کوشید (خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۳: ۱۱۹).

اذان‌گویی نیز یکی دیگر از مشاغل مربوط به آیین‌های عبادی صحابه بود که در مسجد انجام می‌شد. اذان‌گوها معمولاً از جانب پیامبر اکرم (ص) مشخص می‌شدند. سعد بن عائد یکی از مؤذنان صدر اسلام است که همچون مؤذن مسجد قبا توسط پیامبر اکرم (ص) تعیین شد (ابن اثیر، ۱۲۸۵: ۴۳۲/۱). بلال بن رباح و ابن‌أمّ مکتوم نابینا مولای انصار از دیگر مؤذنان مشهور زمان پیامبر اکرم (ص) بودند که در مسجد قبا اذان می‌گفتند (ابن حجر، ۱۳۲۸: ۵۱۹/۷؛ ۳۲۶/۱).

ب) شاعری

شاعری از جمله کارهایی است که به نحوی به حکومت پیامبر اکرم (ص) ربطی پیدا کرده و کاربردهای رسانه‌ای داشته است. بر این اساس شاید شاعری را نیز بتوانیم جزو مشاغل حکومتی بدانیم. برخی یاران پیامبر اکرم (ص) در کنار دیگر فعالیت‌ها به شاعری هم می‌پرداختند.

حرفه شاعری در بین مردم شبه‌جزیره عربستان از اصالت برخوردار بود. پیش از ظهور اسلام شاعران، توانمندی‌های خود را در بازار غنکاظ در قالب مسابقه و طی مراسمی خاص به نمایش می‌گذاشتند و برترین اشعار را انتخاب و شاعران برگزیده را تشویق می‌کردند. این فعالیت فرهنگی پس از بعثت پیامبر اکرم (ص) و حتی در عصر ائمه (ع) نیز تداوم یافت. عرب پیش از ظهور اسلام با شاعری کاسبی می‌کرد به طوری که عده‌ای از شعراء با نزدیک شدن به پادشاهان به عطایایی دست می‌یافتند. برای مثال نابغه ذبیانی (از شاعران طبقه یکم پیش از اسلام و متوفی ۶۰۴ م) از هر دسیسه‌ای استفاده می‌کرد که به نعمان بن مُنذر (آخرین پادشاه از سلسله لخمی‌ها در حیره و در بین سال‌های ۶۰۸ - ۶۰۲ م) نزدیک شود. درباره او نوشته‌اند آن‌قدر هدایا و اموال به دست آورده بود که در سینی‌ها و کاسه‌هایی از

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۴۹

طلا و نقره می‌خورد و می‌نوشید (علی، ۱۴۱۳: ۱۰۷/۹).

نقش شاعران در برخورد با مخالفان دین اسلام بخصوص پس از نیرومندشدن مسلمانان در مدینه اهمیت دینی و سیاسی بسیاری داشت. شاعران انصار افزون بر این که با سلاح از پیامبر اکرم(ص) دفاع می‌کردند با زبان شعر نیز او را یاری می‌رساندند. برای مثال پیامبر اکرم(ص) در مسجد منبری برای حَسَن بن ثابت انصاری قرار داد. وی کسانی که پیامبر اکرم(ص) را هجو می‌کردند هجو و در تفاخر کردن با آن‌ها مقابله می‌نمود (ابن اثیر، ۱۲۸۵: ۴/۲).

شاعران با صله‌ها و خلعت‌هایی که پس از شعر گفتن به آنان اعطا می‌شد درآمد کسب می‌کردند. خلعت‌بخشیدن به شاعران در دربارهای ایران نیز امری معمول بوده است. می‌توان تصور کرد که در صدر اسلام هم فرهنگ خلعت‌بخشی به شاعران رواج داشته باشد. گرچه شواهدی که به‌طور دقیق نشان دهد شعرا در عصر رسالت چه میزان حقوق و هدایایی دریافت می‌کردند به‌دست نیامده؛ اما گزارش‌هایی از دوران ائمه(ع) هست که نشان می‌دهد مزایای ویژه و مشخص شده‌ای به شعراء تعلق می‌گرفت. برای مثال دربارهٔ فَرَزْدَق نوشته‌اند که هم نامش در دیوان ثبت بود و هم حقوقی از جانب خلیفه هشام بن عبدالملک دریافت می‌کرد. حکایت هم‌زمانی حج امام سجاد(ع) و هشام بن عبدالملک مؤید همین امر است (برای مطالعهٔ بیش‌تر نک: بحرانی، ۱۴۱۳: ۲۸۴/۴؛ کشی، ۱۴۰۴: ۱۹۰؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۷۲/۴).

بر این اساس محتوای شعر شاعران در جایگاه و درآمد آنان تأثیر داشت (سید مرتضی، ۱۹۹۸: ۶۹/۱)؛ یعنی اگر برخلاف نظر حکمای وقت شعر می‌گفتند و یا نمی‌توانستند رضایتشان را جلب کنند از پاداش‌های ایشان نیز بی‌بهره می‌ماندند.

پ) تبلیغ و دیگر فعالیت‌های رسانه‌ای

پیامبر اکرم(ص) در دوران رسالت خویش مبلغانی را به بلاد مختلف می‌فرستاد که رؤسای قبائل مختلف و ساکنان مناطق گوناگون را به دین اسلام دعوت نمایند. تعداد این مبلغان را حدود ۲۶ نفر ذکر کرده‌اند. نوشته‌اند پیامبر اکرم(ص) هفتاد نفر از جوانان انصار را برای

دعوت اهل نَجْد به اسلام به آنجا فرستاد که حادثهٔ بئرِ مَعُونَه پیش آمد (واقعی، ۱۴۰۹: ۳۴۶/۱، ۳۴۷). نیز در محرم سال هفتم هجرت، شش سفیر یا شش نامه به شش کشور فرستاده شد تا سران و مردم آن کشورها را به اسلام دعوت کنند. مبلغان معمولاً در اجرای مأموریت‌های خویش موفق بودند جز در مسلمان‌نمودن قیصر روم و پادشاه ایران (آیتی، ۱۳۵۹: ۴۴۸).

اگر بخواهیم دامنهٔ مشاغل حکومتی را قدری موسع‌تر بگیریم و هرچور کاری را که به نحوی به حکومت پیامبر اکرم(ص) ربطی پیدا کرده و کاربردهای رسانه‌ای نیز داشته است شغلی حکومتی تلقی کنیم، شاید آوازخوانی را نیز بتوانیم جزو مشاغل حکومتی بدانیم. آوازخوانی از فعالیت‌هایی بود که در مدینه رواج داشت. برای نمونه، نوشته‌اند بردگان حبشی هنگام ورود پیامبر اکرم(ص) به مدینه از شادی ورود ایشان با چوب‌دستی بازی می‌کردند (سمهودی، ۱۳۷۴: ۲۶۲/۱)؛ کاری که بی‌تردید نوعی اعلام حضور سیاسی نیز در فضای مدینه محسوب می‌شد (برای گزارش‌هایی دربارهٔ شیوهٔ این آوازخوانی‌ها و رسوم آن‌ها، نک: خزاعی، ۱۹۸۵: ۲۲۱).

از این آوازخوانی‌ها که کارکرد رسانه‌ای و تبلیغی هم داشت در جنگ‌ها نیز استفاده می‌شد. مثلاً، در جنگ احد زنان قریش برای تشویق جوانان به نبرد با مسلمانان حضور داشتند و با خواندن سرودهایی کشتگان سپاه مکه در جنگ بدر را به خاطر همگان می‌آوردند، دف و طبل و دیگر آلات موسیقی رزمی می‌نواختند و سرودهایی در تشویق مبارزان به جنگ با مسلمانان می‌خواندند (ابن سعد، ۱۳۸۸ - ۱۳۸۰: ۴۰/۲). مشابه این رفتارها در میان مسلمانان هم رواج داشت. برای نمونه، کنیزکان بنی‌نجار در مدینه دف می‌زدند و آواز می‌خواندند. آنان در میان کلام خود در شرافت پیامبر اکرم(ص) می‌گفتند: ما کنیزکانی از بنی‌نجاریم/محمد(ص) چه خوش همسایه‌ای است (سمهودی، ۱۳۷۴: ۲۶۲/۲). گزارشی حاکی از امرارمعاش با آوازخوانی‌های تبلیغی و سیاسی در صدر اسلام به دست ما نرسیده است. بر پایهٔ روایتی پیامبر اکرم(ص) همه گونه اعطاء و جهی بابت دریافت چنین خدماتی را تحریم کردند (طبری، ۱۴۱۵: ۷۳/۲۱). بر پایهٔ روایتی دیگر، پیامبر

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۵۱

اکرم(ص) از غناء نهی کرد و آن را از ابزار و آلات شیطان دانست (بلاذری، ۱۹۵۹: ۴۵۱/۱). روایاتی نیز حاکی است که پیامبر اکرم(ص) کاربرد آن را به مناسبت‌هایی مانند عید و ازدواج محدود و همان را نیز به اجازه خویش منوط کرد (خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۳: ۱۰۵؛ ابن قدامه، ۱۳۹۱: ۲۷؛ همچنین برای اطلاع از امتداد غناء در مدینه پس از دوران پیامبر اکرم(ص) تا پایان دوره اموی، نک: ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۹: ۴۸/۱-۵۱؛ ضیف، شوقی، ۱۹۶۷).

از دیگر مشاغل مرتبط با تبلیغ در عصر رسالت که عموماً زنان بدان می‌پرداختند نوحه‌سرایی برای کشته‌شدگان جنگ‌ها و جز آن بود. (برای مشاهده نمونه این نوحه‌سرایی نک: حکایت سوگواری زنان انصار بر جنازه حمزه بن عبدالمطلب در جنگ احد: ابن اثیر، ۲۸۲/۱: ۱۲۸۵). از جمله زنانی که به نوحه‌سرایی شهرت داشت ابی‌یشگر دختر موسی بن عبدالله بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۴/۲).

شواهد فوق هیچ‌کدام نشان از آن نمی‌دهند که سوگواری همچون شغل و منبع درآمدی مادی رواج داشته باشد. باین حال، می‌توان چنین معنایی را از برخی گزارش‌های متأخرتر دریافت. برای نمونه در حدیثی از امام محمدباقر(ع) خطاب به امام جعفر صادق(ع) آمده است: ای جعفر! از مال من فلان مبلغ را وقف کن تا نوحه‌سرایان در ایام حج در منی به مدت ده سال برایم نوحه‌سرایی کنند (همان: ۱۱۷/۲). می‌توان محتمل دانست همچنان که سوگواری‌ها در ایام حج در نیمه دوم قرن دوم هجری و عصر امام باقر(ع) نیازمند هزینه کرد بوده، در زمان پیامبر اکرم(ص) نیز این نوحه‌سرایی‌ها یک شیوه اشتغال محسوب می‌شده است.

نتیجه‌گیری

توانستیم با مرور منابع تاریخی، خاصه منابع رجالی و حدیثی، شواهد عینی و قابل‌اتکائی درباره مشاغل حکومتی صدر اسلام پیدا کنیم؛ نیز پیوندهای موجود میان خود این گزارش‌ها ما را در طبقه‌بندی عینیت‌گرایانه مشاغل یاری رسانیدند، درحالی‌که حجم اطلاعات مربوط به هر یک از این مشاغل گویای پیوندشان با همدیگر یا جایگاهشان در

نظام حکومتی صدر اسلام بوده‌اند.

در این مطالعه کوشیدیم نشان دهیم که برای دست‌یابی به تصویری عینیت‌گرایانه از مشاغل حکومتی صدر اسلام بازخوانی جزءنگرانه گزارش‌های بازمانده درباره ساکنان مدینه‌النبی راهی سهل‌الوصول است. در کتب رجال نام و احوال بسیاری از ساکنان مدینه در صدر اسلام همچون راوی حدیث نبوی باقی مانده است. عالمان حدیث هم از دیرباز - به‌ضرورت سنجش روایات و نقد رجال آن‌ها - به تفصیل درباره احوال این راویان بحث کرده‌اند. براین پایه، می‌توان با مرور گزارش‌های رجالی درباره صحابه آگاهی‌هایی دقیق‌تر، عینی‌تر و مبتنی بر منابع دست‌اول نیز درباره مشاغل حکومتی صدر اسلام حاصل کرد. این دستاورد مطالعه ما را می‌تواند متقاعد کند که از این‌پس مطالعات میان‌رشته‌ای مشابهی را با بهره‌جویی از منابع رجالی در مطالعات تاریخی سامان دهیم.

بر این اساس با داشتن مبنایی برای دسته‌بندی مناصب حکومتی عصر رسالت و با مطالعه‌ای روشمند و نگاهی تاریخی، اطلاعات و گزارش‌های ارائه‌شده در مورد مشاغل حکومتی یاران پیامبر اکرم(ص) در چهار عنوان مشاغل سیاسی و تصمیم‌سازی، مشاغل مرتبط با بیت‌المال، مشاغل فرهنگی و آموزشی و مشاغل رسانه‌ای، گونه‌شناسی و دسته‌بندی شد. آنگاه بازشناسی میزان اشتغال هر یک از آن مشاغل مورد بحث قرار گرفت.

اکنون می‌توان با تکیه بر دستاوردهای این مطالعه تصویر واضح‌تری از محیطی باز نمود که پیامبر اکرم(ص) در آن حکومت و زندگی می‌کردند. مطالعه ما نشان می‌دهد مدینه عصر نزول نه منطقه‌ای کم‌جمعیت با ساکنان بدوی روابط ساده اجتماعی که جامعه‌ای نیازمند روش‌های پیچیده مدیریت و کنترل اجتماعی، اصلاح روابط سیاسی با دیگر جوامع پیرامونی، سازمان‌دهی امور مالی و تبلیغات رسانه‌ای بوده است.

ORCID

Seyyede Roghayye

Seyyedi Jarbandi

Hamed Khani (farhang

Mehrvash)

Mohammad Ali

Khaleidian

 <http://orcid.org/0000-0001-8594-3558>

 <http://orcid.org/0000-0003-2982>

 <http://orcid.org/0000-0002-1508-6930>

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۲۸۵ ق)، *اسدالغابه*، قاهره، جمعیه المعارف المصریه.
- ابن اسحاق، محمد (۱۳۸۲ ق)، *السیره*، به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره، مطبعه السعاده.
- ابن حاج، عبدالقادر، *رفع الخفاء*، نسخه خطی موزه بغداد، شماره ۲۴۶.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۲۸ ق)، *الإصابه*، قاهره، مطبعه السعاده.
- ابن سعد، محمد (۱۳۸۰-۱۳۸۸ ق)، *الطبقات الکبیر*، بیروت، دار صادر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ ق)، *مناقب آل ابی طالب*، نجف، المکتبه الحیدریه.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۲۰۰ ق/۱۹۸۰ م)، *الفخری*، بیروت، دارالصادر.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۳۲۸ ق)، *الاستیعاب*، قاهره، مطبعه السعاده.
- ابن قدامه، عبدالله بن محمد (۱۳۹۱ ق)، *الاستبصار*، به کوشش علی یوسف نویهض، بیروت، دارالفکر.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۵ ق/۱۹۹۵ م)، *السیره النبویه*، به کوشش مصطفی سقا و ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۹۵۰ م)، *السنن*، به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره، دار احیاء السنه النبویه.
- ابوشقه، عبدالحلیم محمد (۱۴۱۰-۱۴ ق/۹۴-۱۹۹۰ م)، *تحریر المرآة فی عصر الرساله*، کویت، دارالقلم.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۰۹ ق/۱۹۸۹ م)، *الاغانی*، به کوشش سمیر جابر، بیروت، دارالفکر.
- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۵۹ ش)، *تاریخ پیامبر اسلام*، به کوشش ابوالقاسم گرجی، تهران، دانشگاه تهران.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۳ ق)، *مدینه المعجز*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۹ م)، *انساب الاشراف*، به کوشش محمد حمید الله، قاهره، دارالمعارف.

١٥٤ | فصلنامه علمی سراج مُنیر | سال یازدهم | شماره ٤١ | زمستان ١٣٩٩

بن ادريس، عبدالله عبدالعزيز (١٤٠٢ ق/١٩٨٢ م)، مجتمع المدينة في عهد الرسول (ص)، رياض، عمادة شؤون المكتبات.

تیمی، اسماعیل بن محمد، المبعث و المغازی، نسخه خطی کتابخانه کوبریلی، استانبول ترکیه، شماره ١١٣٨.

جبرتی، عبد الرحمان بن حسن (١٩٧٨ م)، عجائب الآثار، بیروت، دارالجيل.

جعفریان، رسول (١٣٨٤ ش)، «التراتب الاداريه (نظام حكومت نبوی) و زمينه تاريخی تألیف آن»، ضمن الترتیب الاداريه كتانی، ترجمه فارسی علی رضا ذکاوتی فراگوزلو، تهران، سمت.

_____، (١٣٨٥ ش)، سیره رسول خدا، قم، دلیل ما.

حجیلی، عبدالله بن محمد (١٤٢٦ ق)، «كتاب الديوان في العهد النبوی»، المدينة المنورة، شماره ١٣.

خزاعی، علی بن محمود (١٩٨٥ م)، تخريج الدلالات السمعیة، به كوشش احسان عباس، لبنان، دارالغرب الإسلامي.

خليفة بن خياط (١٩٩٣ م)، الطبقات، به كوشش سهيل زكار، بيروت، دارالفكر.

خليل جمعه، احمد (١٤١٢ ق/١٩٩٢ م)، نساء من عصر النبوة، دمشق و بيروت، دار ابن كثير للطباعة و النشر و التوزيع.

_____ (١٤١٧ ق/١٩٩٦ م)، نساء اهل بيت في ضوء القرآن و الحديث، دمشق و بيروت، اليمامة للطباعة و النشر و التوزيع.

دراج، احمد سيد (١٤٠٠ ق)، صناعة الكتابة و تطورها في العصور الإسلامية، ضمیمه مجله دعوة الحق، جده، دارالاصبهاني.

ذهبي، محمد بن احمد (١٩٥٥ م)، سير اعلام النبلاء، به كوشش صلاح الدين منجد، قاهره، دارالحديث.

_____ (١٩٩٥ م)، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، به كوشش علی محمد بجاوی، بيروت، دارالفكر.

رضازاده لنگرودی، رضا (١٣٦٨ ش)، «ابن اثیر، ابوالحسن»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد دوم، تهران، مركز نشر دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

زرکلی، خیرالدین (١٩٨٩ م)، الاعلام، بيروت، دارالعلم للملایین.

- مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۵۵
- سجادی، صادق (۱۳۸۳ ش)، «بیت‌المال»، دائرة المعارف بزرگ فارسی، جلد سیزدهم، تهران، مرکز نشر دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- سمهودی، علی بن عبدالله (۱۳۷۴ ق)، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، به کوشش محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره، مطبعة السعادة.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۹۹۸ م)، الامالی، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دارالفکر.
- سیدی جربندی، سیده رقیه (۱۳۹۹ ش)، شیوه‌های تولید ثروت در عصر نزول قرآن کریم بر پایه تحلیل داده‌های رجالی درباره صحابه، پایان‌نامه دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی گرگان.
- شلیبی، احمد (۱۳۸۱ ش)، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ضیف، شوقی (۱۹۶۷ م)، الشعر والغناء فی المدینة و مکة لعصر بنی‌امیه، بیروت، مکتبة الاندلس.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ ق/۱۹۹۵ م)، مجمع‌البیان، بیروت، اعلمی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۶ م)، تاریخ الامم والملوک، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دارالمعارف.
- _____ (۱۴۱۵ ق)، جامع‌البیان، به کوشش خلیل میس و صدقی جمیل عطار، بیروت، دارالفکر.
- علی، جواد (۱۴۲۲ ق/۲۰۰۱ م)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، مدینه، دارالساقی.
- قلقشندی، احمد بن علی (۱۹۸۷ م)، صبح‌الاعشی، به کوشش یوسف علی طویل، دمشق، دارالفکر.
- قنوجی، محمد صدیق حسن خان (۱۳۰۱ ق)، حُسنُ الأسوة بما تَبَتَ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فِي النَّسْوَةِ، هند، دارالرائد.
- کتّانی، عبدالحی (۱۳۸۲ ش)، نظام‌الحکومة النبویة، بیروت، دارالکتاب.
- کخاله، عمر رضا (۱۹۸۲ م)، اعلام‌النساء، بیروت، مؤسسه الرساله.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ ق)، معرفة الرجال، اختیار شیخ طوسی، به کوشش مهدی رجایی، قم، آل‌البیت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب

- مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ ق)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مسلم بن حجاج (١٩٥٥ م)، *الصحيح*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، مطبعة السعادة.
- مهرش و دیگران، «آسیب شناسی مطالعات درباره مناصب حکومتی عصر نبوی»، *تاریخ و فرهنگ*، سال پنجاه و یک، شماره ١٠٣، پاییز و زمستان ١٣٩٨ ش.
- نووی، یحیی بن شرف (١٤٢٦ ق)، *تهذیب الاسماء واللغات*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- واقدی، محمد بن عمر (١٤٠٩ ق/١٩٨٩ م)، *المغازی*، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، عالم الکتب.
- هیثمی، علی بن ابی بکر (١٤٠٧ ق)، *مجمع الزوائد*، قاهره/بیروت، دارالریان.

References

- Abu Dawood Sajestani, Suleiman bin Ash'ath (1950), *Al-Sunan*, by the efforts of Muhammad Mohiuddin Abdul Hamid, Cairo, Dar Ihya Sunnah al-Nabiyyah.
- Abu Shaqqa, Abdul Halim Muhammad (94-1990), *Women's Editing in the Age of the Message*, Kuwait, Dar Al-Qalam.
- Abul Faraj Esfahani, Ali bin Hossein (1989), *Al-Aghani*, by Samir Jaber, Beirut, Dar al-Fikr.
- Aiti, Mohammad Ibrahim (1980), *History of the Prophet of Islam*, by Abolqasem Gurji, Tehran, University of Tehran.
- Ali, Jawad (2001), *Al-Mufasssal fi Tarikh al-Arab before Islam*, Medina, Dar al-Saqee.
- Bahrani, Seyyed Hashem (1992), *Madinah al-Ma'ajj*, Qom, Institute of Islamic Education.
- Blatheri, Ahmed ibn Yahya (1959), *Ansab al-Ashraf*, courtesy of Muhammad Hamid Allah, Cairo, Dar al-Ma'arif.
- Daraj, Ahmad Sayyid (1979), *Book Industry and Its Development in the Islamic Age*, Volume of Da'wah al-Haq Magazine, Jeddah, Dar al-Isbahani.
- Dhahabi, Muhammad bin Ahmad (1955), *the path of declaring the nobility, with the efforts of Salah al-Din Manjad*, Cairo, Dar al-Hadith.
- Dhahabi, Muhammad bin Ahmad (1995), *Mizan al-Etidal fi Naqd al-Rajal*, by Ali Muhammad Bejawi, Beirut, Dar al-Fikr.
- Hajili, Abdullah bin Muhammad (2005), "*Kitab al-Diwan fi Ahd al-Nabawi*", al-Madinah al-Amnoorah, number 13.-
- Haytami, Ali bin Abi Bakr (1986), *Al-Zawaed Assembly*, Cairo/Beirut, Dar

- al-Ryan.
- Ibn Athir, Ali Ibn Muhammad (1906), *Asdal Ghabah*, Cairo, Al-Ma'arif al-Masriyya society.
- Ibn Ishaq, Muhammad (2003), *Al-Sirah*, by the efforts of Muhammad Mohiuddin Abdul Hamid, Cairo, Al-Saada Publishing House.
- Ibn Hajj, Abd al-Qadir. (No Date). *Rifa al-Khafa*, Baghdad Museum manuscript, number 246.
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad bin Ali (1949), *Al-Isbah*, Cairo, Al-Saada Press.
- Ibn Saad, Muhammad (1380-1388 AH), *Tabaqat al-Kabeer*, Beirut, Dar Sadir.
- Ibn Shahr Ashub, Muhammad Ibn Ali (1997), *Manaqib Al Abi Talib*, Najaf, al-Muktab Al-Haydriya.
- Ibn Tabaqat, Muhammad bin Ali (1980), *Al-Fakhri*, Beirut, Dar al-Sadr.
- Ibn Abd al-Bar, Yusuf bin Abdullah (1949), *Al-Isti'ab*, Cairo, Al-Saada Press.
- Ibn Qudama, Abdullah bin Muhammad (2012), *Al-Istbasar*, by Ali Yusuf Nawihz, Beirut, Dar al-Fikr.
- Ibn Hisham, Abd al-Malik (1995), *Al-Sirah al-Nabawiyya*, by Mustafa Saqqa, Ebrahim Abiari and Abd al-Hafiz Shalabi, Beirut, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi.
- Ibn Idris, Abdullah Abd al-Aziz (1981), *The Society of Medina in the Era of the Prophet (PBUH)*, Riyadh, Deanship of Libraries Affairs.
- Jaberti, Abd al-Rahman bin Hassan (1978), *The Wonders of Antiquities*, Beirut, Dar AlJeel
- Jafarian, Rasul (2005), "*Al-Taratib al-Adariyyah (prophetic government system) and the historical background of its authorship*", including *Al-Taratib al-Adariyyah* Katani, Persian translation by Alireza Zakavati Qaragozlu, Tehran, side
- Jafarian, Rasool (2005), *Sira Rasool God*, Qom, our reason
- Kattani, Abd al-Hay (2003), *Nizam al-Hukuma al-Nabawiyyah*, Beirut, Darul Kitab.
- Kahala, Omar Reda (1982), *Women's Media*, Beirut, Al-Resala Foundation.
- Kashi, Muhammad bin Omar (1983), *Marafah al-Rijal, the authority of Sheikh Tusi*, with the efforts of Mahdi Rajae, Qom, Al-Al-Bayt.
- Kilini, Muhammad bin Yaqub (1986), *Al-Kafi*, by Ali Akbar Ghafari, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyya, 2/174.
- Khaza'i, Ali ibn Mahmoud (1985), *Takhrij al-Dalaat al-Sum'iyah*, courtesy of Ehsan Abbas, Lebanon, Dar al-Gharb al-Islami.
- Khalifa bin Khayyat (1993), *Tabaqat*, by Sohail Zakar, Beirut, Dar al-Fekr.
- Khalil Juma'a, Ahmad (1992), *Women from the Age of the Prophethood*, Damascus and Beirut, Dar Ibn Katheer for Printing, Publishing and Distribution.

- Khalil Juma'a, Ahmad (1996), *Women of the Household in the Light of the Qur'an and Hadith*, Damascus and Beirut, Imamate for Printing, Publishing and Distribution.
- Majlesi, Mohammad Baqer (1982), *Bihar al-Anwar*, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
- Muslim bin Hajjaj (1955), *Al-Sahih, by the efforts of Muhammad Fouad Abd al-Baqi*, Cairo, Al-Saada Publishing House.
- Mehroosh et al. (2018). "Pathology of Studies on Governmental Positions of the Prophetic Era", *History and Culture*, Year 51, Number 103, Autumn and Winter 2018.
- Nawi, Yahya Ibn Sharaf (2005), *Tahhib Al-Asmaa and Al-Laghat*, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Qalqshandi, Ahmed bin Ali (1987), *Sobh al-Ashi, by Yusuf Ali Tawali*, Damascus, Dar al-Fikr.
- Qanoji, Muhammad Sediq Hasan Khan (1922), *Hasan al-Aswa bima thabat min Allah wa Rasulah fi al-niswa*, India, Dar al-Raed.
- Rezazadeh Langroudi, Reza (1989), "Ibn Athir, Abul Hasan", *Big Islamic Encyclopedia*, Volume II, Tehran, Big Islamic Encyclopedia Publishing Center.
- Sajjadi, Sadegh (2004), "Beit al-Mal", *Big Persian Encyclopedia*, Volume 13, Tehran, Big Islamic Encyclopedia Publishing Center.
- Samhoudi, Ali bin Abdallah (1995), *Wafa al-Wafa Baakhbar Dar al-Mustafi*, with the efforts of Mohiuddin Abd al-Hamid, Cairo, Al-Saada Press.
- Seyyed Mortaza, Ali bin Hossein (1998), *Al-Mali*, by the efforts of Muhammad Abolfazl Ibrahim, Egypt, Dar al-Fikr.
- Sayyida Jarbandi, Sayyida Ruqiyeh (2019), *Wealth production methods in the era of revelation of the Holy Qur'an based on the analysis of men's data about the Companions*, Ph.D. Thesis of Qur'an and Hadith Sciences, Islamic Azad University of Gorgan.
- Shelbi, Ahmed (2002), *History of Education in Islam, translated by Mohammad Hossein Saket*, Tehran, Farhang Islamic Publishing House.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan (1995), *Al Bayan Assembly*, Beirut, Alami.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1966), *History of the Nations and Al-Muluk*, by Muhammad Abolfazl Ibrahim, Egypt, Dar al-Maarif.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1994), *Jame Al Bayan*, with the efforts of Khalil Mees and Sedqi Jamil Attar, Beirut, Dar al-Fikr.
- Timi, Ismail bin Muhammad. (No Date). *Al-Ba'ath and Al-Maghazi*, Manuscript of Kobrilli Library, Istanbul, Turkey, No. 1138.
- Waqidi, Muhammad bin Umar (1989), *Al-Maghazi*, edited by Marsden Jones, Beirut, Alam al-Kitab.

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی...؛ سیدی جربندی و همکاران | ۱۵۹

Zarkali, Khair al-Din (1989), *Al-Alam*, Beirut, Dar al-Alam Lalmalayin.
Zaif, Shoqi (1967), *Poetry and Singing in Medina and Mecca during the reign of Bani Umayyad*, Beirut, Al-Andalus School.

استناد به این مقاله: سیدی جربندی، سیده رقیه، خانی، حامد (فرهنگ مهروش)، خالدیان، محمدعلی. (۱۳۹۹).

مشاغل حکومتی در مدینه‌النبی بر پایه گزارش‌های رجالی، فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۱(۴۱)، ۱۲۷-۱۵۹.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.61246.1708



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

